

اقتصاد کشور و معضلی به نام قیمت گذاری دستوری

لزوم بازنگری در یک سیاست قدیمی



تولید یاری رساند اما با فضای کنونی نه تنها ورود سرمایه نخواهیم داشت، بلکه همچون سنوات گذشته شاهد خروج سرمایه نیز خواهیم بود. از سوی دیگر، وضعیت نابسامان قیمت گذاری در کشور به گونه‌ای فرایند عرضه کالاها را نامتعادل و تنظیم بازار را با چالش مواجه کرد.

ابوالفضل روغنی، عضو اتاق بازرگانی ایران در این زمینه گفت: «لغو قیمت گذاری دستوری به قدری اهمیت دارد که دولت چهاردهم باید به‌عنوان اولویت به این موضوع بپردازد. همگان نیز به این موضوع اذعان دارند که قیمت گذاری دستوری صددرصد غلط است مگر در مواردی که دولت ارز با رانتي را در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌دهد.»

به بیان دیگر، هیچ زمانی اقتصاد دستوری نمی‌تواند منجر به افزایش تولید و رونق آن شود. این موضوع طی چندسال گذشته رخ داد و تجربه شد، بنابراین نباید این راه را ادامه داد. ایجاد شفافیت اقتصادی، به کارگیری مکانیسم عرضه و تقاضا و اجرایی کردن فضای رقابتی در صحنه اقتصاد کشور از جمله الزامات برای خروج از چارچوب قیمت گذاری دستوری به حساب می‌آید. وقتی این مسئله صورت می‌پذیرد، تولیدکننده این علامت را می‌گیرد که تولید با ریسک بیشتر و سود انتظاری کمتر همراه است. بنابراین در بسیاری از موارد، قیمت گذاری کالا و خدمات اثراتنی همچون کاهش رقابت، تضعیف تولید و تحکیم انحصار را در پی دارد. نگاهی بلندمدت به سیاست‌های مداخله قیمتی دولت در اقتصاد حاکی از آن است که این خط‌مشی، پس از مدتی به ضد خود تبدیل شده و باعث شکل‌گیری یک سیکل با ماهیت باخت-باخت میان مصرف کنندگان و تولیدکنندگان می‌شود. در این بین مداخله دولت، اختلاف قیمت دولتی با بازار را پدید می‌آورد که رانت سنگینی را نصیب عده‌ای می‌کند. شاید بتوان یکی از مصائب قیمت گذاری دولتی را گسترش و نهادینه‌شدن فرهنگ سودهای بی‌زحمت دانست.

با مشارکت ۶۰۰ هزار نفری سرمایه گذاران انجام شد

رکوردشکنی معاملات گواهی شمش طلا در بورس



می‌کنند. طبق قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید و همچنین طبق قانون مالیات بر ارزش افزوده، معاملات گواهی سپرده کالایی، صددرصد معافیت مالیات بر درآمد و ارزش افزوده دارد. از سویی سرمایه گذاران در این بازار از نگهداری و اصالت طلایی که معامله می‌کنند، اطمینان خاطر دارند. این‌ها از جمله جذابیت‌هایی به حساب می‌آید که بازار شمش طلا برای سرمایه گذار در بورس و بازار سرمایه ایجاد کرد. این بازار در حال گسترش است و با اعتمادی که مردم به آن پیدا کرده‌اند، به نظر می‌رسد همانند بقیه کشورهای توسعه‌یافته دنیا بتوان از این بازار به‌عنوان یکی از ابزارهای جذب سرمایه



گزارش برای چندین دهه قیمت گذاری دستوری جهت مقابله با افزایش قیمت و تورم در اقتصاد کشورمان به کار گرفته شده است. این اقدام نه تنها تاکنون به تثبیت قیمت کالاها کمکی نکرده، بلکه خود به عاملی برای جهش تقاضا و التهاب بیشتر بازار، رانت و دلالت بازی و خروج بازار از فرایند طبیعی خود تبدیل شده است.

با اعمال قیمت گذاری دستوری شاهد دو نرخ در بازار هستیم؛ یک نرخ دولتی و دیگری قیمت بازار. از این همین نقطه است که درهای دلالتی و رانت به سود عده‌ای فرصت طلب باز می‌شود. تاکنون مصادیق زیادی از این سوداگری را در بازارهای مختلف شاهد بوده‌ایم. به‌عنوان مثال یکی از نمونه‌های شکست‌خورده این شیوه طی سال های گذشته، حوزه خودروسازی بود که اگرچه تولیدکننده مجبور به سرکوب قیمتی شده اما نرخ‌ها در بازار به دلخواه دلال تعیین و به دست مصرف‌کننده می‌رسید. البته همواره وزرای اقتصادی مخالفت خود را با سیاست قیمت گذاری دستوری اعلام کرده‌اند. باوجود این لغو خط‌مشی مذکور طی سال‌های اخیر هرگز به‌طور کامل اجرا نشد. مثلاً وزیر اقتصاد با انتقاد شدید از قیمت گذاری دستوری و مداخلات دولت در اقتصاد، تأکید کرد که این خط‌مشی‌ها، پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد را افزایش داده و مانع رشد بخش خصوصی شده است.

عبدالنصر همتی گفت: «اگر ما نتوانیم بخش خصوصی را در اقتصاد فعال کنیم و میزان مداخله دولت در اقتصاد ادامه یابد به جایی نمی‌رسیم؛ زیرا این مسئله و قیمت گذاری دستوری، اقتصاد کشور را پیش‌بینی‌ناپذیر کرده و موجبات آن را فراهم آورده که فعالیت اقتصادی بیشترین ضرر را ببیند و سرمایه گذاران نتوانند سرمایه گذاری انجام دهند.»

قیمت گذاری دستوری علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین به تولیدکنندگان و عدم سوددهی مناسب، قدرت رقابت‌پذیری تولید را نیز از بین برده و در نتیجه منجر به تعطیلی یا ادامه تولید با ظرفیت پایین واحدها و فرار سرمایه گذاری از بخش تولید می‌شود. به تعبیر عباس آرگون، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، این موضوع مخل سرمایه گذاری، توسعه تولید و قیمت مناسب کالاهاست. او بیان کرد: «وقتی کالایی تولید می‌شود و فرد قصد سرمایه گذاری در آن بخش را دارد و دولت با دخالت‌های خود، قیمت آن کالا را تعیین می‌کند عملاً حاشیه سود را برای سرمایه گذار از بین می‌برد. سرمایه گذار نیاز دارد بداند قیمت کالا بر اساس ضوابط بازار تعیین شده و قیمت گذاری به‌صورت دستوری نیست.»

آرگون افزود: «مطمئناً با جذب سرمایه می‌توان به توسعه

گزارش

داده‌های منتشرشده توسط بورس کالا حاکی از آن است که در مهرماه، با معامله بیش از ۱۰۷ تن شمش طلا به ارزش ۹۰۸ هزار میلیارد تومان در بازار گواهی سپرده، رکورد تاریخی ماهانه معاملات شکسته شد. پیش از این بیشترین حجم معاملات ماهانه به مردادماه امسال اختصاص داشت. به اعتقاد کارشناسان، دلیل استقبال معامله گران از این بازار به دلیل وجود مزایای متعدد همچون سهولت در معاملات، نداشتن ریسک‌های سنتی بازار فیزیکی طلا و امکان ورود به بازار طلا با مبالغ پایین است. هم‌اکنون ۶۰۰هزار سرمایه‌گذار به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق صندوق‌های طلا در معاملات گواهی سپرده شمش طلا فعال هستند. این رویه نشان می‌دهد عموم مردم در حال آشنایی با ابزارهای مالی طلا در بازار سرمایه هستند. به‌طوری‌که امروز هر فردی می‌تواند با حداقل سرمایه و از مسیر صندوق‌های طلا یا گواهی طلا در این بازار جذاب، سرمایه‌گذاری کند و دیگر ریسک‌های سنتی و قدیمی سرمایه‌گذاری در بازار فیزیکی طلا همچون ریسک سرقت و نگهداری، کیفیت و عیار، مراجعه به بازار و... را نداشته باشد.

اولین بازار رسمی طلا

بازار شمش طلا، اولین بازار رسمی و متشکل طلا در کشور به حساب می‌آید. این اوراق کالایی با توجه به قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید از شمول قانون مزایده و مناقصه معاف است. در نتیجه شرکت‌های دولتی که به تولید شمش طلا می‌پردازند، به‌راحتی محصول تولیدی خود را با معافیتی که از تشریفات مناقصه و مزایده دارند، در این بازار عرضه

اقتصاد



atiyeno.ir

یادداشت



آسیب‌های قیمت گذاری دستوری در صنعت خودرو



شرکت‌های خودروساز تحت تأثیر مداخلات سیاست گذار در تعیین قیمت فروش و ناکارآمدی برخی مدیران در چند دهه اخیر زیان ده به حساب آمده‌اند. خروجی این مسئله نیز کاهش تولید خودرو در کشور در چند سال گذشته بود. زیان ده بودن خودروسازها در دهه‌های اخیر، موجبات آن را فراهم آورد تا دست‌اندرکاران این صنعت جهت رفع معضل ایجادشده، به‌صورت مصمم پیگیر عرضه خودرو در بورس کالا باشند اما تاکنون این موضوع مورد موافقت نهادهای مربوطه قرار نگرفته است. در چنین شرایطی علت وجود تقاضای زیاد در بازار و عدم متوازن آن با میزان عرضه از چندین موضوع نشأت می‌گیرد. نخستین عامل مربوط به تورم عمومی موجود در جامعه بوده که این موضوع باعث افزایش تقاضای مردم برای خودرو و نگاه آن‌ها به این محصول به‌عنوان یک کالای سرمایه گذاری می‌شود. از سویی سرمایه گذاری نادرست در تولید نیز مزید بر علت شده تا وضعیت صنعت خودرو به شکل فعلی درآید. به‌نوعی عدم سرمایه‌گذاری مناسب در تحقیق و توسعه نیز منأثر از ناکارآمدی مدیران است. این مسائل در کنار یکدیگر به نبود توازن میان عرضه و تقاضای خودرو منجر شد. در این شرایط سیاست‌گذاران نیز اجازه اجرای درست مکانیسم فروش خودرو را نمی‌دهند. در شیوه پیش‌فروش خودرو که به بخت‌آزمایی شباهت دارد، تمامی سود به جیب دلالان می‌رود و چیزی عاید خودروسازان نمی‌شود. به‌نوعی، سیستم سهمیه‌بندی و پیش‌فروش فسادزا بوده و به دلیل استفاده از رانت‌های موجود، شاهد ایجاد بازار سیاه و فضای دلالی در بازار خودرو هستیم. از طرفی درست است که در اکثر کشورها، عرضه خودرو در بورس‌های کالایی انجام نمی‌گیرد اما در ایران به دلیل وجود برخی مشکلات، خریدار می‌تواند در بازار سرمایه با اختیار کامل، نرخ مدنظر را برای خرید خودرو تعیین کند. این‌دراحالی است که مصرف‌کننده‌ای که

به‌ناچار برای خرید خودرو به سمت بازار سیاه پیش می‌رود، مجبور به پرداخت برخی هزینه‌های اضافی به واسطه‌ها می‌شود. تجربه قبلی عرضه خودرو در بورس کالا بسیار رضایت‌بخش بود. وقتی خودروساز محصولات خود را در بورس کالا عرضه کند، باید تضمین و تعهداتی را برای فروش و تحویل به‌موقع خودرو ارائه دهد. بر این اساس، بورس کالا به دلیل اخذ تضامین از خودروساز در زمان عرضه، متعهد به گرفتن هزینه‌های تأخیر در تحویل است. در عرضه سال ۱۴۰۱ نیز حدود ۱۲۰۰ فقره شکایت تحویل با تأخیر وجود داشت. همچنین معادل ۴۲ میلیارد تومان از تضامین خودروساز به‌عنوان خسارت، به خریداران پرداخت شد. با توجه به این مسائل،

عرضه خودرو در بورس کالا چشم‌انداز خوبی به خودروسازان می‌دهد تا از این طریق مطلع باشند که بیشتر به سمت تولید چه محصولی پیش بروند و چه زمانی می‌توانند به نقدینگی مدنظر دست پیدا کنند. همچنین در این بازار خودروساز طرف سه تا شش روز کاری به وجه فروش خود دست می‌یابد که این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است. حساب وکالتی که خودروسازها روی آن کار می‌کنند و مشتریان را مجبور به استفاده از این حساب کرده‌اند، برگرفته از سیستم‌های بورس کالاست. این نشان می‌دهد که بورس کالا می‌تواند به‌عنوان یک مرجع معتبر و حرفه‌ای تلقی شود و باید این موضوع مدنظر تصمیم‌سازان قرار گیرد. تا زمانی که قیمت گذاری

دستوری ادامه یابد، این چرخه معیوب در بازار و صنعت خودرو ادامه دارد و مردم همواره ناراضی‌اند. بنابراین در حال حاضر عرضه خودرو در بورس کالا، به‌عنوان یک راه‌حل مناسب برای خروج این صنعت از وضعیتی که در آن گرفتار شده، به حساب می‌آید و باید هرچه سریع‌تر مقدمات کار برای عرضه مجدد محصولات شرکت‌های جاده مخصوص در تالار نقره‌ای فراهم آید. این شرایط به مرور از زیان خودروسازان می‌کاهد.

باز شده تا به حوزه شمش طلا هم وارد شوند. البته غیر از این صندوق‌ها، سایر نهادهای مالی بازار سهام هم قادرند روی گواهی شمش طلا به داد و ستد بپردازند. معاملات شمش روی طلا با عیار ۹۹۵ تعریف شده و اندازه هر ورقه بهادار ۱۰۰ سوت طلا یا همان یک‌دهم گرم طلاست. در چنین شرایطی افراد با کوچک‌ترین پس‌انداز خود می‌توانند در این بازار سرمایه‌گذاری کنند.

معافیت صددرصدی مالیات

بر این اساس، در بازار سرمایه از طریق گواهی سپرده شمش و واحدهای صندوق‌های طلا، مسیر سرمایه‌گذاری با سرمایه‌های خیلی خرد برای مردم فراهم شده که دارای معافیت صددرصدی مالیات بر درآمد است. موارد یادشده، ویژگی‌های منحصر به‌فردی است که بازار سرمایه برای سرمایه‌گذاران در حوزه طلا در کشور به وجود آورد. این بازار نوبا بوده و به‌نظر می‌رسد با معرفی آن به عموم و اعتمادی که مردم به این بازار دارند، همانند کشورهای دیگر که حدود پنج درصد ارزش معاملات اوراق مالی در آن کشورها روی اوراق بهادار مبتنی بر طلا است، بتواند جایگاه واقعی خود را در بازار سرمایه کشور پیدا کند. امکان توثیق اوراق گواهی سپرده کالایی، یک گزینه جذاب است که در صورت عملی شدن، گواهی‌ها می‌توانند به‌عنوان وثیقه به بانک ارائه و تسهیلات اعطا شود. البته زیرساخت توثیق الکترونیکی باید از سمت بانک‌ها مورد اجرا قرار گیرد. قدر مسلم چنین ویژگی‌هایی با توجه به نوسانات بازار طلا، ظرفیت دارد که تعداد سرمایه‌گذاران بیشتری را جذب این بازار کند.